

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ظهور؛

امر الهی

فرا تر از

زمینه سازی



ظهور؛ امر الهی. فراتر از زمینه سازی

کاری از مجموعه ی فهم دین

شابک: ۱-۸۵-۸۵۸۴-۹۶۴-۹۷۸

خرداد ۱۴۰۳

تا دین را نفهمیم نمی توانیم دین دار باشیم!

مجموعه ی «فهم دین» تلاش می کند در هیاهوی پر فتنه و ظلمات

پر شبهه ی عصر غیبت، چراغی در مسیر جویندگان دین راستین

بیافروزد....

fahmedin.ir

فهرست

فهرست	۳
مقدمه	۷
امر الهی؛ چیستی و چگونگی	۱۱
غیبی و سرّی بودن امر الهی	۱۲
محوریت معصومین علیهم السلام در امر الهی	۱۷
پیروی از قیام و سکون امام، در پرتو امر الهی	۲۰
استمرار تبعیت از امام در عصر غیبت	۲۴
مأموریت الهی امام در دولت طاغوت	۳۱
تعریف دولت طاغوت و دولت حقّ	۳۱
مهلت الهی به دولت طاغوت و حکمت آن	۳۵
ذلت ایمان در دولت باطل؛ گشایش تنها در دولت حق	۴۳
امر به صبر و عدم مقابله با طاغوت	۵۵
شیعیان، تابعان صبور امامان علیهم السلام	۶۳
انتظار در آئینه‌ی روایات: از عقیده تا وظیفه	۷۳
انتظار: صبوری و دست نبردن به شمشیر	۷۳

۴ □ ظهور؛ امر الهی فراتر از زمینه‌سازی

- منتظران وظیفه شناس، چنین ثوابی دارند ۷۸
- انتظار، جایگزین جهاد همراه پیامبر ﷺ و قائم ﷺ ۸۶
- پیروزی قائم ﷺ، پررنگ‌ترین امر الهی ۸۹
- نصرت الهی، بی‌نیاز از کمک بشری ۹۵
- مقایسه‌ای میان نصرت الهی پیامبر ﷺ و امام زمان ﷺ ۹۹
- نمونه‌هایی از نصرت اعجازی حضرت صاحب الزمان ﷺ ۱۰۱
- صیحه‌ی آسمانی ۱۰۳
- فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین ۱۰۵
- صاحب مواریث معجزه‌آسای پیامبران ﷺ ۱۰۶
- علم الکتاب و قدرت‌های خارق العاده ۱۰۷
- ولایت تکوینی و تسخیر جهان ۱۱۰
- راه پیروزی در نبرد خلاصه نمی‌شود! ۱۱۴
- یاری اصحابش هم معجزه‌آساست ۱۱۵
- نقش ما در تعجیل ظهور ۱۲۱
- اضطرار: تنها امید درک ظهور ۱۲۱
- درک بحران در عصر غیبت، کلید اضطرار ۱۲۸
- احساس خودکفایی در عصر غیبت! ۱۳۵
- زمینه‌سازی، یا تأخیر ظهور؟! ۱۴۰
- امر الهی با عجله‌ی مردم محقق نخواهد شد! ۱۴۲

- ۱۵۳.....کمبود یاوران حقیقی دین.....
- ۱۶۲.....چرا خود ائمه علیهم السلام زمینه سازی نکردند؟!.....
- ۱۶۵.....نگاهی به روایات استدلال شده برای زمینه سازی.....
- ۱۶۶.....روایت خروج قومی از مشرق.....
- ۱۶۹.....روایت خروج مردی از قم.....
- ۱۷۰.....روایت آماده کردن تیر برای نصرت امام علیه السلام.....
- ۱۷۳.....پاسخ به نقدهای وارد شده بر روایات انتظار.....
- ۱۷۴.....امروزه شرائط قیام فراهم است؟!.....
- ۱۷۸.....حمل روایات نهی از قیام بر مدعیان مهدویت.....
- ۱۸۱.....اصل دین جهاد است، یا پیروی از امام؟!.....
- ۱۸۳.....«انتظار» اصحاب ائمه علیهم السلام پرداخته ی استعمار بود؟.....
- ۱۸۵.....سخن آخر: شما را چه می شود...؟!.....
- ۱۸۹.....پیوست: امام زمان علیه السلام، ارزنده ترین امانت (یادگاری از استاد ی فقید).....
- ۱۹۵.....نمایه موضوعی.....
- ۱۹۹.....منابع.....

مقدمه

(معرفی این نوشتار و ضرورت مباحث آن)

از صدها سال پیش، در سفارش‌های منقول از معصومین علیهم‌السلام، طولانی شدن غیبت اعلام شده و نسبت به ریزش‌های شیعیان در این شبِ دراز، هشدار داده شده بود. به فرموده‌ی خداوند متعال:

﴿وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾^۱

«نکند مؤمنین، همچون پیشینیان اهل کتاب گردند که مدّت بر آنان طولانی گشت، پس دلهایشان سنگین شد؛ و بسیاری از آنان فاسق‌اند».

از امام صادق علیه‌السلام روایتست که این آیه در مورد اهل زمان غیبت نازل شده و آن مدّت طولانی که موجب سخت شدن دل‌ها می‌گردد، زمان غیبت است.^۲

حدود ۱۲۰۰ سال از غیبت آخرین حجت الهی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف می‌گذرد... طی این چندین قرن، فقدان امام و عدم تسلّط ظاهری ایشان بر جامعه‌ی شیعه، پذیرفته شده بود. شیعیان می‌دانستند تا حضرتش علیه‌السلام ظاهر نشده، هرگز نمی‌توان یک

۱. الحديد: ۱۶.

۲. غیبت نعمانی: ۲۴.

۸ □ ظهور؛ امر الهی فراتر از زمینه‌سازی

حکومت عادلانه‌ی سراسر اسلامی را تجربه کرد.

اما کم کم زمزمه‌های تردید و اعتراض بلند شد: آخر تا کی باید دست روی دست بگذاریم؟ مگر هدف امام زمان علیه السلام چیزی جز اصلاح جامعه است؟ پس باید در این راه تلاش نموده و مسیر را هموار کنیم تا هرچه زودتر ظهور محقق شود! تصوّر این گروه از امر ظهور، یک حرکت بشری بود که با طی مراحل عادی خود، مثل هر جنبش مردمی، به نتیجه‌ی مطلوب می‌رسد. شیوع این ادّعا در فضای سیاسی شیعه، موجب شد حرکات جهادی گسترده‌ای به عنوان زمینه‌سازی ظهور، گرفتن پرچم اسلام و تحویل آن به صاحب الزمان علیه السلام انجام یابد.

در حالیکه تحقیق و دقّت در میراث ارزشمندی که از پیشوایان مذهب علیه السلام رسیده، به روشنی می‌رساند که مسأله‌ی ظهور و فرج، بسیار فراتر از حرکات بشری بوده و صرفاً با اراده‌ی الهی صورت می‌پذیرد؛ اراده‌ی قدرتمند و حاکمی که بی‌نیاز از امداد بشری است.

البته این مسأله از زوایای مختلفی همچون: احکام جهاد و قیام، محدوده‌ی امر به معروف و نهی از منکر، اجرای حدود و ولایت مطلقه فقیه قابل بررسی است که هریک پژوهش مستقلی را می‌طلبد. اما آن‌چه در این نوشتار به آن پرداخته شده، نقش بنیادین الهی بودن امر ظهور، وابستگی آن به اراده‌ی خداوند و اجرای آن از طریق خلیفه‌ی معصومش علیه السلام می‌باشد. در نوشتاری که پیش روی شماست، با بهره‌گیری از روایات معصومین علیه السلام، این موضوع اساسی تبیین شده است.

این کتاب، بیشتر مجموعه‌ای روایی شمرده می‌شود که پس از چندسال تتبع در احادیث مهدویّت، و با استفاده تکمیلی از ابزارهای پژوهشی روز گردآمده است. از این رو، هرچند شروعی ناقص در این مسیر بوده، اما به فضل الهی کامل‌ترین گردآوری موجود در بحث وظایف سیاسی - اجتماعی عصر غیبت

است که برای اولین بار تقدیم شما خوانندگان گرامی می‌گردد.

هرچند روایات مربوطه در منابع، فراوانست؛ اما تلاش ما این بوده که جهت اعتباردهی هر چه بیشتر، روایاتی ذکر شود که از جهت سندی و مصدري قابل اعتمادتر بوده^۱ و دارای مؤیدات دیگر باشد.

برای این که متن کتاب از اختصار خارج نشود، تعداد زیادی از روایات مرتبط جهت اهل تحقیق در پاورقی ذکر شده‌اند؛ در این روایات الحاقی به جز موارد مهم‌تر که ترجمه را افزودیم، به متن عربی اکتفا شده است. اگرچه تمام این روایات، مهم و قابل بررسی بوده‌اند.

البته با توجه به این نکته و نیز اشتغال هر حدیث بر موضوعات مختلف، در انتهای کتاب نمایه‌ای موضوعی تنظیم شده که خواننده به راحتی بتواند به مطلب مورد نظر خود در متن یا پاورقی دست پیدا کند.

بیشتر ترجمه‌ها، به تلاش نگارنده انجام گرفته؛ اما در احادیث غیبت نعمانی و کمال الدین، از ترجمه غیبت نعمانی آقای محمد جواد غفاری و ترجمه کمال الدین آقای منصور پهلوان با قدری ویرایش استفاده شده است. خداوند هر دو بزرگوار را توفیق مضاعف عنایت کند.

لازم به ذکر است که کلیات این کتاب، سال گذشته در جزوه‌ی مختصری با عنوان: «امر الهی، فراتر از زمینه سازی ظهور» به صورت محدود عرضه شد. اما با احساس ضرورت به تبیین مبانی بحث، مطالب با ترتیب بهتری تنظیم شده و با افزودن تفصیل و توضیحات فراوان و ده‌ها مستند جدید از منابع معتبر در کتاب حاضر با حجمی چند برابر جزوه‌ی قبلی تقدیم خوانندگان می‌گردد.

۱. برای نمونه از تفسیر منسوب به امام حسن علیه السلام، یا تفسیر سوره قدر ابن الحریث با وجود ارتباط فراوانش با موضوع بحث، مطلبی نقل نشده است.

۱۰ □ ظهور؛ امر الهی فراتر از زمینه‌سازی

در انتها از همه‌ی پژوهشگران عزیزی که متن اولیه‌ی کتاب را مطالعه نموده و نکات اصلاحی ارزشمند خود را تقدیم نمودند، کمال سپاسگزاری را دارم. شما خوانندگان گرامی نیز می‌توانید بازخوردهای مفیدتان را از نشانی زیر به ما منتقل سازید:

info@fahmedin.ir

امر الهی؛ چیستی و چگونگی

هرچند عمده‌ی وقایع این دنیا بر اساس قواعد طبیعت در حال رخداد است؛ اما بی‌تردید هیچ یک از اتفاقات هستی بدون اراده‌ی خداوند متعال انجام پذیر نیست. همچنین، آنچه خداوند اراده‌ی انجامش را داشته باشد، حتی اگر در ظاهر خلاف جریان طبیعی باشد، مسلماً محقق خواهد شد.

بنابراین امور عالم هستی را نسبت به اقدامات بشری، می‌توان به دو بخش تقسیم نمود:

۱. کارهایی که خداوند بشر را در انجام آن آزاد گذاشته یا او را مأمور به انجامش نموده، و برای اختیار و اراده‌ی بشری، سهمی در تحقق خارجی آن منظور داشته است. برای نمونه خداوند از مردم خواسته برای هدایت یابی تلاش کنند تا مشمول عنایت و اراده‌ی الهی شده و هدایت گردند:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾^۱.

۲. اموری که در عرصه‌ی افعال الهی بوده و تنها طبق برنامه‌ی معین شده‌ی او انجام پذیر است و هر زمان که خداوند اراده کند بدون نیاز به اسباب طبیعی، آن امر محقق خواهد شد. در این امور همکاری یا کارشکنی مردمان هیچ تأثیری ندارد، هیچ کس نمی‌تواند مانع آن گشته، یا زمان انجامش را زودتر یا دیرتر سازد.

۱۲ □ ظهور؛ امر الهی فراتر از زمینه‌سازی

البته دست خداوند بسته نیست و با تصریح به درگاه او می‌توان خواهان وقوع آن شد. این قبیل تقدیرات را بنابر اصطلاح قرآنی، «امر الله» یا «امر الهی» می‌نامیم. استقراء آیات مختلف قرآن کریم نشان می‌دهد هر جا «امر» (در موارد استعمالش به معنای شأن^۱) به خداوند اضافه شده، حاکی از برنامه‌ی قطعی و تخلف‌ناپذیر الهی است.

﴿وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾^۲

﴿وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا﴾^۳

﴿وَإِلَّا اللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۴.

«امر خداوند، قطعی و شدنی است، و بر آن چیره است؛ اما بیشتر مردم نمی‌دانند».

غیبی و سرّی بودن امر الهی

امر الهی مختصّ به ذات مقدّس اوست، و دیگران را توانایی احاطه به آن نیست. همچنان‌که خداوند در مورد روح می‌فرماید:

﴿قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾^۵

۱. «امر» دو معنای اساسی دارد؛ اول: به معنای مطلق شیء، موضوع یا شأن؛ مثلاً: «امر عجیب»؛ این همان معنای محلّ بحث ماست. دوم: به معنای فرمان و دستور، مثلاً: «امر حاکم» یعنی دستور او.

۲. النساء: ۴۷.

۳. الأحزاب: ۳۸.

۴. یوسف: ۲۱.

۵. اسراء: ۸۵.

امر الهی؛ چیستی و چگونگی □ ۱۳

«بگو روح از امر پروردگارم است، و شما جز بهره‌ای اندک از علم ندارید».

از این رو با درک ناقص بشری، نمی‌توان افعال و امور الهی را مورد چون و چرا قرار داد.

﴿لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ﴾^۱

«نتوان خداوند را از جهت فعلش مورد سؤال قرار داد، ولی مردم مورد سؤال و بازخواست قرار می‌گیرند».

۱. «لَا لِأَمْرِهِ تَعْقُلُونَ وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبُلُونَ؛ ﴿حِكْمَةٌ بِالْعَمَّةِ فَمَا تُغْنِ التُّدْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ﴾^۲.

توقیع شریف امام زمان علیه السلام (در ابتدای زیارت آل یاسین): «نه (خودتان) امر خدا را درک می‌کنید، و نه از اولیایش می‌پذیرید. اینست حکمتی رسا، پس بیم‌دهندگان برای افرادی که ایمان نمی‌آورند سودی نخواهند بخشید».

در قرآن کریم، نمونه‌ای آموزنده از غیر قابل ادراک بودن امر الهی، در قضیه‌ی حضرت موسی و خضر علیه السلام بیان شده است.

در این حکایت، عملکرد یک پیامبر والا رتبه، در کنار عالم به امر الهی (حضرت خضر علیه السلام) مقایسه می‌شود^۳.

۱. انبیاء: ۲۳.

۲. الاحتجاج: ۲/ ۴۹۲.

۳. به نظر می‌رسد انتخاب حضرت موسی علیه السلام که کلیم الله و از پیامبران اولی العزم بوده، از این جهت باشد که جایی برای عذر مردم عادی باقی نماند. اگر این حکایت در مورد یک فرد معمولی اتفاق می‌افتاد، ممکن بود هر کسی درک خود را برتر از آن فرد دیده، و گمان کند که

۱۴ □ ظهور؛ امر الهی فراتر از زمینه‌سازی

حضرت خضر علیه السلام پیش از آغاز همراهی، به حضرت موسی علیه السلام چنین هشدار داد:

﴿قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا﴾.^۱

«گفت تو را توان صبر با من نیست؛ و چگونه بر آن چه اطلاع نداری صبر خواهی کرد؟!».

پس از این که حضرت موسی علیه السلام قول داد که ان شاء الله صبور باشد، حضرت خضر علیه السلام از او التزام گرفت که اعتراض نکند:

﴿قَالَ فَإِنْ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّى أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا﴾.^۲

«پس اگر دنبالم می‌آیی نباید از چیزی سؤال (و اعتراض) کنی، تا آن که خودم در موردش سخن گویم».

اما پس از انجام مأموریت‌های ویژه و پیچیده‌اش، همگی آن‌ها با اعتراض پیش بینی شده‌ی حضرت موسی علیه السلام مواجه شد. حضرت خضر علیه السلام حکمت آن‌ها را توضیح داده و در نهایت فرمود:

﴿وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي﴾.^۳

اگر در آن موقعیت بود به امر الهی اعتراض نمی‌کرد. اما وقتی این پیامبر والا رتبه با این مقاماتش، توان ادراک امر الهی را نداشت، دیگر وضعیت عموم مردم، هر چقدر هم که ادعای خوش فهمی داشته باشند، به خوبی روشن خواهد شد.

۱. الکهف: ۶۷ - ۶۸.

۲. الکهف: ۷۰.

۳. الکهف: ۸۲.

امر الهی؛ چیستی و چگونگی □ ۱۵

«این کار، از امر من انجام نشده (و بلکه امر الهی بوده است)».

در روایات متعددی جایگاه جناب خضر علیه السلام و ارتباطش با امر الهی، نمونه‌ای برای مقامات ملکوتی ائمه علیهم السلام و افعال پیچیده‌ی آنان بیان شده است.^۲ در

۱. عن أبي بصير عن أحدهما عليه السلام في حديث طويل: «وَقَالَ مَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي؛ يَغْنِي لَوْلَا أَمْرُ رَبِّي لَمْ أَصْنَعْهُ». قصص الانبياء عليهم السلام: ۱۵۷.

۲. برای نمونه: عن إسحاق بن عمار، عن أبي عبد الله عليه السلام: «إنما مثل علي ابن أبي طالب عليه السلام و مثلنا من بعده في هذه الأمة كمثّل موسى النبي و العالم عليه السلام حيث لقيه و استنطقه و سأله الصحبة، فكان من أمرهما ما اقتضه الله لنبيه عليه السلام في كتابه، و ذلك أن الله قال لموسى عليه السلام: «إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَ بَكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ»، ثم قال: «وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَ تَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ»، و قد كان عند العالم علم لم يكتبه لموسى عليه السلام في الألواح، و كان موسى عليه السلام يظن أن جميع الأشياء التي يحتاج إليها في نبوته، و جميع العلم قد كتب له في الألواح، كما يظن هؤلاء الذين يدعون أنهم علماء و فقهاء، و أنهم قد أتقنوا جميع الفقه و العلم في الدين مما تحتاج هذه الأمة إليه، و صَحَّ لهم ذلك عن رسول الله صلی الله علیه و آله و علموه و حفظوه، و ليس كل علم رسول الله صلی الله علیه و آله علموه، و لا صار إليهم عن رسول الله صلی الله علیه و آله و لا عرفوه، و ذلك أن الشيء من الحلال و الحرام و الأحكام قد يرد عليهم فيسألون عنه، فلا يكون عندهم فيه أثر عن رسول الله صلی الله علیه و آله فيستحيون أن ينسبهم الناس إلى الجهل، و يكرهون أن يسألوا فلا يجيبون، فطلب الناس العلم من غير معدنه، فلذلك استعملوا الرأي و القياس في دين الله، و تركوا الآثار، و دانوا الله بالبدع، و قد قال رسول الله صلی الله علیه و آله: كل بدعة ضلالة. فلو أنهم إذا سئلوا عن شيء من دين الله فلم يكن عندهم فيه أثر عن رسول الله صلی الله علیه و آله ردوه إلى الله و إلى الرسول و إلى أولي الأمر منهم لعلمه الذين يستنبطون العلم من آل محمد عليهم السلام، و الذي يمنعهم من طلب العلم منا العداوة لنا و الحسد، و لا والله ما حسد موسى العالم عليه السلام، و موسى عليه السلام نبي يوحى إليه، حيث لقيه و استنطقه و عرفه بالعلم، بل أقر له بعلمه، و لم يحسده كما حسدتنا هذه الأمة بعد رسول الله صلی الله علیه و آله علمنا و ما ورثنا عن رسول الله صلی الله علیه و آله، و لم يرغبوا إلينا في علمنا كما رغب موسى إلى العالم و سأله الصحبة ليتعلم منه العلم و يرشده، فلما أن سأل العالم ذلك، علم العالم أن موسى عليه السلام لا يستطيع صحبته، و لا يحتمل علمه، و

۱۶ □ ظهور؛ امر الهی فراتر از زمینه‌سازی

حدیث «۱۴» نمونه‌ای از این تمثیل در برخورد امام حسن علیه السلام با معترضین به صلح خواهد آمد.

در همین راستا پیچیدگی حکمت غیبت امام زمان علیه السلام نیز به مأموریت حضرت خضر علیه السلام تشبیه شده است:

۲. از عبد الله بن فضل روایتست که امام صادق علیه السلام فرمود: «برای صاحب الامر غیبت ناگزیری است که هر اهل باطلی در آن به شک می‌افتد». گفتم: فدای شما شوم، برای چه؟ فرمود: به خاطر امری که ما اجازه نداریم آن را هویدا کنیم. گفتم: در آن غیبت چه حکمتی وجود دارد؟

فرمود: «حکمت غیبت او همان حکمتی است که در غیبت حجت‌های الهی پیش از او بوده است و وجه حکمت غیبت او پس از ظهورش آشکار گردد، همچنان که وجه حکمت کارهای خضر علیه السلام بر موسی علیه السلام روشن نبود تا آنکه وقت جدایی آنها فرارسید.

ای پسر فضل! این امر، امری از امور الهی و سرّی از اسرار خدا و غیبی از غیوب پروردگار است؛ و چون دانستیم که خدای تعالی حکیم است،

لا یصبر معه، فعند ذلك قال له العالم: ﴿إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا﴾ [فقال له موسى علیه السلام: و لِمَ لَا أَصْبِرُ؟] فقال له العالم: ﴿وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا﴾ فقال له موسى علیه السلام و هو خاضع له يستعطفه على نفسه كي يقبله: ﴿سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا﴾ و قد كان العالم يعلم أن موسى لا يصبر على علمه. و كذلك و الله - يا إسحاق - حال قضاة هؤلاء و فقهاؤهم و جماعتهم اليوم، لا يحتملون و الله علمنا، ولا يقبلونه، ولا يطيقونه، و لا يأخذون به، و لا يصبرون عليه كما لم يصبر موسى علیه السلام على علم العالم حين صحبه و رأى ما رأى من علمه، و كان ذلك عند موسى مكروها، و كان عند الله رضا و هو الحق، و كذلك علمنا عند الجهلة مكروه لا يؤخذ به، و هو عند الله الحق». الاختصاص: ۲۵۸.

امر الهی؛ چیستی و چگونگی □ ۱۷

تصدیق می‌کنیم که همه افعال او حکیمانه است اگر چه وجه آن آشکار نباشد.^۱

محوریت معصومین علیهم‌السلام در امر الهی

بر اساس روایات فراوان، ائمه علیهم‌السلام در امر و اراده‌ی الهی نقشی کلیدی دارند. مهمترین و قطعی‌ترین توصیف در این زمینه، صفت والای «اولی الامر: صاحبان امر» در آیات ۵۹ و ۸۳ سوره‌ی نساء است، که بر اساس روایات متواتر اختصاص به ائمه علیهم‌السلام دارد. مقصود از این امر، همان امر خاص الهی است که در بخش‌های قبل توضیح داده شد.

۳. امام باقر علیه‌السلام: «نَحْنُ وَلَاةُ أَمْرِ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ»^۲.

«ما متولّی و صاحب امر الهی در میان بندگان هستیم».

۴. امام صادق علیه‌السلام: «يَا ابْنَ أَبِي يَعْفُورٍ، إِنَّ اللَّهَ وَاحِدٌ، مُتَوَحِّدٌ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، مُتَفَرِّدٌ بِأَمْرِهِ، فَخَلَقَ خَلْقًا فَقَدَرَهُمْ لِذَلِكَ الْأَمْرِ، فَنَحْنُ هُمْ يَا ابْنَ أَبِي يَعْفُورٍ،

۱. عبد الواحد بن محمد عن علي بن محمد بن قتيبة عن حمدان بن سليمان عن أحمد بن عبد الله بن جعفر المدائني عن عبد الله بن الفضل الهاشمي قال: سمعت الصادق جعفر بن محمد عليه‌السلام يقول: إن لصاحب هذا الأمر غيبة لا بدّ منها، يرتاب فيها كل مبطل، فقلت له: ولم جعلت فداك؟ قال: لأمر لم يؤذن لنا في كشفه لكم قلت: فما وجه الحكمة في غيبته؟ قال: «وجه الحكمة في غيبته وجه الحكمة في غيبات من تقدم من حجج الله تعالى ذكره، إن وجه الحكمة في ذلك لا ينكشف إلا بعد ظهوره كما لم ينكشف وجه الحكمة فيما أتاه الخضر عليه‌السلام إلا بعد افتراقهما، يا ابن الفضل إن هذا الأمر أمر من أمر الله و سرّ من سرّ الله، و غيب من غيب الله، و متى علمنا أن الله تعالى حكيم صدقنا بأن أفعاله كلها حكمة، و إن كان وجهها غير منكشف». كمال الدين: ۲ / ۴۸۲.

۲. الكافي: ۱ / ۱۴۵ ح ۷؛ بصائر الدرجات: ۶۱ و دیگر مصادر.

۱۸ □ ظهور؛ امر الهی فراتر از زمینه‌سازی

فَنَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ، وَخُزَّائُهُ عَلَى عِلْمِهِ، وَالْقَائِمُونَ بِذَلِكَ»^۱.

«به درستی که خداوند به تنهایی یکتا بود و امر را در اختیار داشت؛
آن‌گاه آفریدگانی را برای آن امر معین ساخت؛ که ما همان‌ها هستیم.
پس ما حجت خداوند بر بندگان و خزانه‌دار علم او، و متولی این جهات
هستیم».

۵. در زیارت معروفی که برای امام حسین علیه السلام وارد شده عرضه
می‌داریم:

«إِزَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهَيِّطُ إِلَيْكُمْ وَتَصْدُرُ مِنْ بَيُوتِكُمْ»^۲.

«اراده‌ی پروردگار در تقدیرات امورش بر شما فرود آید و از بیت شما
صادر می‌گردد»^۳.

در این تردیدی نیست که از مهمترین امور الهی، برپایی حکومت الهی و اصلاح
جامعه است که بر اساس روایات پیشین و آینده، به «والیان امر الهی» علیهم السلام واگذار
شده؛ و تنها با عملکرد آنان اجرایی می‌گردد.

۶. حمران بن اعین از امام باقر علیه السلام در مورد وجه قیام امیر المؤمنین،
امام حسن و امام حسین علیهم السلام و شهادت رسیدنشان توسط ستمگران
پرسید. در جواب فرمودند: «ای حمران! این‌ها در قضا و قدر حتمی
الهی ثبت شده بود و سپس اجرایی شد. پس اقدام آنان بر اساس علم
کامل صورت گرفت؛ و هر یک از ما نیز که سکوت اختیار کرد (و با

۱. بصائر الدرجات: ۶۱ ح ۴؛ الکافی: ۱۹۳/۱ ح ۵.

۲. الکافی: ۴/۵۷۷؛ التهذيب: ۵۵/۶.

۳. + روایت مؤید؛ این تعبیرات زیارت جامعه: «وَالْمُسْتَقَرِّينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ وَالتَّائِبِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ وَ
الْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ وَ الْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ وَ عِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ
بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ».

امر الهی؛ چیستی و چگونگی □ ۱۹

ظالمان نجنگید) بر اساس علم بود.

و اگر آنان در زمانی که امر خدا نازل گشته و گرفتار طاغوت شده بودند، از خداوند مصرّانه می‌خواستند که نجاتشان دهد و فرمانروایی ستمگران را از بین ببرد؛ خداوند استجاب می‌کرد و سریعتر از رشته‌ی گلوبند که پاره شود و دانه‌های آن پراکنده گردد، سلطنت آنان را نابود می‌ساخت»^۱.

۷. و در روایت دیگری ادامه دارد: «اما این امریست که مورد اراده و قضا و قدر خداوند قرار گرفته، و اگر از او خلاف این را می‌خواستیم در این صورت معنایش این بود که غیر از اراده‌ی الهی را اراده داریم!»^۲.

۱. ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ ابْنِ رَبَّابٍ، عَنْ ضُرَيْسِ الْكُنَاسِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: قَالَ لَهُ حُمْرَانُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَرَأَيْتَ مَا كَانَ مِنْ أَمْرِ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عليهم السلام وَ خُرُوجِهِمْ وَ قِيَامِهِمْ بِدِينِ اللَّهِ عليه السلام، وَ مَا أَصِيبُوا مِنْ قَتْلِ الطَّوَاعِيتِ إِيَّاهُمْ وَ الظُّفَرِ بِهِمْ حَتَّى قُتِلُوا وَ غَلِبُوا؟ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: «يَا حُمْرَانُ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ كَانَ قَدَّرَ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ وَ قَضَاهُ، وَ أَمُضَاهُ، وَ حَتَمَهُ، ثُمَّ أَجْرَاهُ؛ فَيَتَقَدَّمُ عِلْمُ ذَلِكَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَامَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عليهم السلام، وَ يَعْلَمُ صَمَتٌ مَنْ صَمَتَ مِنَّا. وَلَوْ أَنَّهُمْ يَا حُمْرَانُ حَيْثُ نَزَلَ بِهِمْ مَا نَزَلَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِظْهَارِ الطَّوَاعِيتِ عَلَيْهِمْ سَأَلُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَدْفَعَ عَنْهُمْ ذَلِكَ وَ أَلْحُوا عَلَيْهِ فِي طَلَبِ إِزَالَةِ مُلْكِ الطَّوَاعِيتِ وَ ذَهَابِ مُلْكِهِمْ إِذَا لَاجَبَهُمْ وَ دَفَعَ ذَلِكَ عَنْهُمْ ثُمَّ كَانَ انْقِضَاءُ مُدَّةِ الطَّوَاعِيتِ وَ ذَهَابِ مُلْكِهِمْ أَسْرَعَ مِنْ سِلْكِ مَنَظُومٍ انْقَطَعَ فَتَبَدَّدَ». بصائر الدرجات: ۱۲۴؛ الكافي: ۲۸۱/۱؛ الخرائج: ۲ / ۸۷۰.

۲. عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ... قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمَا كَانَ مِنْ أَمْرِ هَؤُلَاءِ الطَّوَاعِيتِ وَ أَمْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام؟ قَالَ يَعْلَمُ يَأْتِيهِمْ وَ لِأَمْرِهِمْ لَوْ [أَنَّهُمْ] [أَلْحُوا] فِيهِ عَلَى اللَّهِ لِأَجَابِهِمْ اللَّهُ وَ كَانَ يَكُونُ أَهْوَنَ مِنَ السِّلْكِ الَّذِي فِيهِ خَرٌّ وَ لَكِنْ يَا عُقْبَةُ بِأَمْرِ قَدْ أَرَادَهُ وَ قَضَاهُ وَ قَدَّرَهُ وَ [لَوْ رَدَدْنَا] عَلَيْهِ [وَ أَلْحَحْنَا] إِذَا نُرِيدُ غَيْرَ مَا أَرَادَ. بصائر الدرجات: ۱۲۵ ح ۴.

۲۰ □ ظهور؛ امر الهی فراتر از زمینه‌سازی

پیروی از قیام و سکون امام، در پرتو امر الهی

بنابر آنچه گذشت روشن شد که امر الهی تنها توسط امام دریافت شده و قابل اجراست. اساساً جایگاه «امامت» برای این بنا شده که اوامر الهی دریافت و به شیعیان منتقل شود.

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾^۱

«و آنان را امامانی قرار دادیم که به امر ما هدایت می‌کنند»^۲.

«امامت» در اصطلاح اعتقادی (همسو با ریشه‌ی لغوی آن) بیانگر پیشوایی عمومی جامعه است^۳، که تمام عرصه‌های دنیوی و اخروی انسان، اعم از مذهبی، اجتماعی، سیاسی و... را شامل می‌شود. از وجوه احتیاج به امام، همین است که امت بدون راهنمایی و مدیریت پیشوای معصوم نمی‌تواند مسیر خود را

۱. الانبیاء: ۷۳.

۲. روایت تفسیری: محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد و محمد بن الحسين، عن محمد بن یحیی، عن طلحة بن زید عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «الْأَمَّةُ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِمَامَانِ إِمَامٌ عَدْلٌ وَ إِمَامٌ جَوْرٌ قَالَ اللَّهُ: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾ لَا بِأَمْرِ النَّاسِ يُقَدِّمُونَ أَمْرَ اللَّهِ قَبْلَ أَمْرِهِمْ وَ حُكْمَ اللَّهِ قَبْلَ حُكْمِهِمْ قَالَ: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ﴾ يُقَدِّمُونَ أَمْرَهُمْ قَبْلَ أَمْرِ اللَّهِ وَ حُكْمَهُمْ قَبْلَ حُكْمِ اللَّهِ وَ يَأْخُذُونَ بِأَهْوَائِهِمْ خِلَافاً لِمَا فِي كِتَابِ اللَّهِ». الكافي: ۲۱۶/۱.

امام صادق عليه السلام: «در کتاب خداوند، دو گونه امام هست، [اول:] خداوند متعال فرموده: «و آنان را ائمه‌ای قرار دادیم که به امر ما دیگران را هدایت می‌کنند» نه به امر مردمان، امر خداوند را بر امر دیگران و حکم خداوند را بر حکم دیگران مقدم می‌دارند. [دوم:] و فرموده است: «انان را ائمه‌ای قرار دادیم که [دیگران را] به سمت آتش دعوت می‌کنند». اینان امر خود را بر امر خداوند و حکم خود را بر حکم خداوند مقدم می‌دارند، و به هوای نفس خود برخلاف کتاب خدا اخذ می‌کنند».

۳. «سُمِّيَ الْإِمَامُ إِمَامًا لِأَنَّهُ قُدْوَةٌ لِلنَّاسِ مَنْصُوبٌ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ تَعَالَى مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ عَلَى الْعِبَادِ». معانی الاخبار: ۶۴.

نمایه موضوعی

«ص»: شماره صفحه؛ «ح»: شماره حدیث؛ «پ»: شماره پاورقی

امام و امر الهی

- تنظیم عمل حجت خدا بر اساس
امر الهی: ص ۱۵ پ ۱، ح ۶ و ۷، ح ۱۴،
ح ۷۷-۸۱، ح ۱۳۵
ظهور و غیبت، امر الهی: ح ۲،
ح ۴۲ و ۴۳، ح ۷۶-۸۳، ص ۱۲۷،
ح ۱۳۷، ص ۱۸۵-۱۸۷
قابل تحمّل نبودن علم امام: ص ۱۵
پ ۲، ح ۱۵۹
امر الهی و مهلت طاغوت: ح ۲۹،
ح ۴۲، ص ۵۸، ح ۴۸ و ۴۹، ح ۷۵، ح ۸۱،
ح ۱۳۴، ص ۱۴۴، ح ۱۳۶، ح ۱۳۹ و ۱۴۰
دولت باطل
مظلومیت و ابتلای مؤمنین در
دولت باطل: ح ۲۷، ح ۴۵، ح ۵۱،
ص ۶۵، ح ۶۷ و ۶۸، ح ۱۲۶
استفاده‌ی ابزاری از دین در دولت
باطل: ص ۱۳۷
پیشوایان و امامان باطل: ص ۲۰
پ ۲، ح ۳۱، ح ۱۸، ح ۳۵، ص ۶۵،
ص ۱۳۷، ح ۱۶۲
سنت الهی کتمان و تقیّه: ح ۱۵، ص
۴۲ ح ۲۶ و پ ۱
لزوم تقیّه در دولت باطل: ح ۵۸، ح ۵۲،
ح ۶۷، ح ۶۳، ح ۵۸، ح ۱۱۷، ح ۱۲۰، ص ۱۵۲
ح ۱۴۲ و پ ۲، ح ۱۴۳، ح ۱۴۳، ص ۱۵۷
ح ۱۴۷ و پ ۲
عمل به خلاف وظیفه در دولت
باطل مایه‌ی خروج از دین است:
ح ۲۶، ح ۵۵
سلطه‌ی طاغوت تنها در عصر

۱۹۶ □ ظهور؛ امر الهی فراتر از زمینه‌سازی

- ظهور در هم می‌شکند: ح ۲۶، ص ۱۴، ح ۶۷، ص ۱۵۹
- ۳۵ پ ۲ و ۳، ص ۳۶-۳۷، ح ۳۳، ص ۴۹ پ ۲، ص ۵۰-۵۴، ح ۴۹، ص ۵۴، ح ۵۶، ح ۶۱، ص ۸۹-۹۶، ح ۱۱۳، ح ۱۴۷
- غیبت و فرَج
- انحراف مردم و تحریف دین در عصر غیبت و دولت باطل: ح ۲، ح ۱۹، ص ۴۵، ح ۳۱، ح ۳۴، ص ۶۵ پ ۱، ص ۸۵ پ ۱، ح ۹۰، ح ۱۰۷، ح ۱۱۸، ح ۱۲۳، ص ۱۳۱-۱۳۴، ص ۱۷۷-۱۷۵، ح ۱۲۲، ح ۱۵۰، ح ۱۶۲
- دشواری فراوان پایداری بر دین در عصر غیبت: ص ۷۹ ح ۶۷، ح ۷۰، ح ۱۲۳، ص ۱۷۶-۱۷۷
- فَرَج مؤمنین مشروط به فرج امام زمان علیه السلام است: ح ۹، ص ۵۲-۵۴، ص ۹۳ پ ۳، ح ۱۲۵
- فرارسیدن فَرَج همیشه بعد از بلایا است: ح ۲۱، ص ۵۲-۵۴، ح ۵۴
- صبر، قرین انتظار: ح ۴۳، ح ۴۴، ص ۷۷ (کلام شیخ طوسی و شیخ مفید)، ح ۵۲، ح ۶۱، ص ۷۴-۷۵
- تمسک به روش پیشین در عصر غیبت: ص ۲۵ ح ۱۱
- قیام، حکومت و مردم‌شناسی
- علم انحصاری امام به شرایط مناسب برای قیام: ح ۱۰، ح ۱۴، ح ۴۸، ص ۱۴۴، ص ۱۵۵-۱۶۱
- دولت حق تنها به دست اوصیای معصوم علیهم السلام: ح ۱۶ و ۱۷، ص ۳۳ پ ۱، ص ۴۱ ح ۲۵ و ۳، ح ۲۹، ص ۴۵ پ ۲، ح ۴۱، ح ۶۲، ح ۷۶، ح ۱۳۶، ص ۱۵۵ پ ۱
- رفوزه شدن حکومت‌های مدعی عدل: ص ۴۱ ح ۲۵ و ۳
- مخلص نبودن بیشتر شیعیان: بخش «کمبود یاوران حقیقی دین»/ ص ۱۵۳، و نیز: ح ۱، ص ۷۰ ح ۵۹، ح ۱۳۱، ح ۱۴۲ و ۱۴۳، ص ۱۷۶-۱۷۷، ح ۱۵۹
- سکوت و عدم قیام امامان علیهم السلام: ح ۶، ح ۹، ح ۱۳ و ۱۴، ح ۴۲، ص ۷۷ (کلام شیخ طوسی)، ح ۶۶ و ۶۷، ح ۱۴۱، ص ۱۵۴-۱۶۱

لزوم تسلیم و نکوهش عدم تبعیت
از امام: ص ۲۷-۲۸، ح ۵۱، ح ۵۸،
ح ۶۲، ح ۶۵، ح ۶۹، ص ۸۵ پ ۱،
ص ۱۴۷ پ ۱، ح ۱۴۱، ح ۱۴۳، ح ۱۵۴،
ح ۱۵۸، ص ۱۸۵-۱۸۶
نهی از قیام شیعیان: ح ۹ و ۱۰،
ص ۶۹-۷۱، ص ۷۵-۷۶، ح ۷۵، ح ۸۲
و ۸۲، ص ۱۱۸ ح ۱۱۲ و پ ۳، ح ۱۱۴،
ص ۱۴۶-۱۵۳

قیام‌های امامزادگان: ح ۱۰، ح ۱۳۵،
ح ۱۳۷
عواقب عجله و قیام بی‌موقع: بخش
«امر الهی با عجله‌ی مردم محقق
نخواهد شد»/ص ۱۴۲، و نیز: ح ۹، ح ۵۷
و ۵۸، ح ۱۵۴
استمرار نهی از قیام تا خروج
سفیانی: ح ۱۰، ص ۱۵۰-۱۵۱